

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۴ جنوری ۲۰۲۲

قاسم سلیمانی فرمانده سپاه تروریستی جمهوری اسلامی بود!

مقدمه

گزارش‌ها حاکی است روز دوشنبه ۱۳ دی، نیروهای ائتلاف امریکا دو پهپاد مسلح را که یک پایگاه نظامی عراقی میزبان نیروهای امریکائی در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی بغداد را هدف گرفته بودند، سرنگون کرده‌اند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، این خبر را یک مقام ائتلاف ضد داعش در عراق به رهبری امریکا روز دوشنبه اعلام کرده و خبرگزاری رویترز نیز از قول منابع امنیتی عراقی با تأیید این خبر نوشت که در این حادثه به کسی آسیبی نرسیده است.

یک منبع ائتلاف امریکا که نخواست نامش فاش شود به خبرگزاری فرانسه گفت که «این دو پهپاد انتحاری با موشک‌های کروزر دست‌ساز در حدود ساعت ۳:۰۴ صبح به فرودگاه بغداد حمله کردند» و افزود در محلی که هدف این حمله بود تنها نیروهای لجستیکی، پیمانکاران و پرسنل غیرنظامی حضور داشتند. این منبع افزود که «این یک فرودگاه غیرنظامی است، انجام این نوع حملات موشکی و پهپادی در آن بسیار خطرناک است».

این حادثه که هنوز هیچ گروهی مسئولیت آن را بر عهده نگرفته، دو سال پس از آن روی می‌دهد که یک هواپیمای بدون سرنشین امریکا در نزدیکی همین فرودگاه، قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی برون‌مرزی سپاه پاسداران و ابومهدی مهندس، فرمانده میدانی شبه‌نظامیان حشد الشعبی، را کشت.

عکس‌هایی که خبرگزاری فرانسه از مقامات ائتلاف امریکا در عراق به دست آورده، بقایای یکی از پرتابه‌های حمله امروز دوشنبه را نشان می‌دهد که بر روی آن پیام «عملیات انتقام‌جویانه فرماندهان» نوشته شده است. منبع ائتلاف به این خبرگزاری گفته است که «عراقی‌ها تحقیقاتی را در مورد این حمله آغاز کرده‌اند».

جمهوری اسلامی ایران پنج روز پس از کشته شدن سلیمانی، پایگاه عین‌الاسد، مقر نیروهای امریکائی در عراق، را با موشک هدف قرار داده بود.

چگونگی کشته شدن قاسم سلیمانی

قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه بود که در ساعات اولیه روز جمعه ۱۳ دی، در حمله هوایی امریکا به کاروان حامل او و چند فرمانده ارشد حشدالشعبی کشته شد، مشهورترین چهره نظامی در داخل و خارج از ایران بود.



رسانه‌ها ۱۳ دی ۱۳۹۸ - ۳ ژانویه ۲۰۲۰ خبر داده بودند که قاسم سلیمانی و فرماندهان نیروهای حشد شعبی در حال حرکت در دو خودرو از فرودگاه بغداد در قسمت بارگیری بودند که توسط پهپادهای ارتش آمریکا خودروهایشان هدف قرار گرفته و کشته شدند.

این رسانه‌ها می‌گویند که سلیمانی از لبنان و یا سوریه به بغداد سفر کرده بود. چندین موشک از پهپاد به سوی کاروان خودروهای حامل قاسم سلیمانی و فرماندهان گروه حشد شعبی اصابت کرده و به گفته سفیر جمهوری اسلامی ایران در بغداد، به جز سلیمانی و معاون حشد شعبی، مجموعاً ۱۰ نفر کشته شده‌اند. پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا در بیانیه‌ای تصریح کرده بود که دستور این حمله هوایی را دونالد ترامپ، رئیس جمهوری این کشور صادر کرده است.

در بیانیه پنتاگون آمده بود: «این حمله جهت جلوگیری از برنامه‌ریزی برای حملات بعدی ایران صورت گرفته است. ایالات متحده هر اقدامی را که موجب حفاظت از شهروندان آمریکا و منافع‌اش باشد در هر جای جهان نیاز ببیند، انجام خواهد داد.»

این حمله تنها چند روز پس از حمله تظاهرات کنندگان به سفارت آمریکا در بغداد صورت گرفت که منجر به درگیری با نیروهای آمریکایی در سفارت شده بود. پس از آن دونالد ترامپ در توییتری نوشته بود: «ایران مسؤول کشته شدن هر شهروند آمریکا و یا خسارت به اموال این کشور در عراق است و آن‌ها هزینه سنگینی از این بابت خواهند داد و این یک هشدار نیست.»

خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران نیز در واکنش به این توثیت، در حساب توییتر خود به آن مستقیماً پاسخ داد و نوشت: «می‌بینید سراسر عراق هیجان ضدآمریکایی چقدر است؟ باز آن جناب توثیت کرده که ما این را از چشم ایران می‌بینیم.»

خامنه‌ای نوشته بود: «ایران اگر بخواهد با کشوری مبارزه کند صریح این کار را می‌کند. ما به منافع و عزت ملتمان پایبندیم و هرکس آن را تهدید کند بدون هیچ ملاحظه‌ای با او روبرو می‌شویم و ضربه می‌زنیم.» نشان ذوالفقار که عالی‌ترین نشان نظامی جمهوری اسلامی ایران است پس از انقلاب فقط به قاسم سلیمانی داده شده است.

علی خامنه‌ای، رهبر ایران زمانی او را «شهید زنده» نامیده بود. اما عنوانی که او خود را به آن ملقب می‌کرد «سرباز صفر ولایت» بود؛ که در عمل و گفتار نیز نشان داده بود که کاملاً پیرو خامنه‌ای و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی است.

سلیمانی مسئول بسیاری از بی‌ثباتی‌های منطقه و حامی اصلی شبه‌نظامیان شیعه به خصوص در عراق و یمن و سوریه بود که امنیت کل منطقه را به خطر انداخته بود.

علی فدوی از سران سپاه پاسداران تأیید کرده که قاسم سلیمانی با پروازی از سوریه به عراق رفته بود. برخی مقامات ایران تأکید دارند که قاسم سلیمانی «مهمان رسمی» عراق بود. دولت عراق این امر را تأیید یا تکذیب نکردند.

پروازهای مسافری و نظامی در فضای سوریه، لبنان و عراق، مورد نظارت دقیق و دائمی است. به نوشته اینتلی‌تایمز، حساسیت این پروازها به‌ویژه از این نظر است که نیروهای ارشد حزب‌الله برای سفر به تهران، معمولاً از طریق پروازهایی از دمشق ابتدا به بغداد و سپس از آنجا به ایران می‌روند.

بر اساس بررسی اینتلی‌تایمز، هواپیمای مسافربری ایرباس ای ۳۲۰ متعلق به شرکت هوایی سوری «شام وینگز ایرلاینز» در پرواز ۶ کیو ۵۰۱ در ساعت ۱۰ و نیم پنج‌شنبه‌شب (به وقت سوریه، ۱۲ نیمه‌شب ایران) از دمشق برخاست و دقایقی پیش از نیمه‌شب (به وقت سوریه، کمی مانده به یک و نیم بامداد جمعه ایران که چند دقیقه به یک بامداد جمعه به وقت عراق بود) در بغداد فرود آمد.

پرواز قاسم سلیمانی با هواپیمای مسافربری سوری که به‌سادگی تحت تعقیب است، آن هم در روزهایی که بیش‌ترین رصد اطلاعاتی در مورد او و همکارانش نظر به رویدادهای دو هفته اخیر عراق وجود داشته، و احتمالاً افرادی هم در سوریه و هم در عراق از حضور قاسم سلیمانی در این پرواز آگاه بوده‌اند، ممکن است مهلک‌ترین اشتباه مراقبتی از سوی شخص او بوده باشد.

به گزارش رسانه‌ها، از ساعاتی قبل از ورود هواپیما به بغداد، نشانه‌های زیادی از نزدیک بودن زمان ورود یک شخصیت مهم در این فرودگاه دیده شده بود؛ بعداً معلوم شد که نیروهای حشد الشعبی در فرودگاه زمینه استقبال ابومهدی المهندس از قاسم سلیمانی را فراهم می‌کردند.

دقایقی پس از فرود هواپیما و پس از آن‌که ابو مهدی المهندس از قاسم سلیمانی و همراهانش استقبال کرد، سلیمانی و المهندس و سه تن دیگر سوار یک تویوتا شده و پنج تن دیگر در تویوتای دوم نشسته، به سوی شهر حرکت کردند.

هنوز لحظاتی از آغاز حرکت هر دو خودرو سپری نشده بود که به ادعای این رسانه‌ها- پهپادهای امریکائی با شلیک راکت نقطه‌زن و دقیق، جز آهن‌پاره‌ای از خودروها باقی نگذاشتند.

فیلم‌های ثبت‌شده توسط نخستین افرادی که به محل رسیدند، نشان می‌دهد که جسد‌ها در لای آهن‌ها و یا پرتاب‌شده در نزدیکی محل در شعله‌های آتش می‌سوزند و دست‌کم سر یکی از افراد از بدنش جدا شده است. دست و پای قاسم سلیمانی قطع شده و یک دستش با انگشت معروف در آن نزدیکی به روی زمین افتاده است؛ انگشتی که احراز هویت او را آسان کرد.

به ارزیابی اینتلی‌تایمز، لحظه فرود هواپیما تا شلیک راکت از پهپادها، بیش از ۱۵ دقیقه طول نکشیده است. براساس گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌های امریکائی، پهپادهای مدل ام‌کیو ۹ چهار موشک از نوع موسوم به هل‌فایر (آتش جهنمی) به سوی دو خودرو شلیک کردند.

به نوشته اینتلی‌تایمز، رفت‌وآمدهای مکرر قاسم سلیمانی به عراق، نوع خودروها و تجهیزات ارتباطی مورد استفاده او و سران حشد الشعبی زیر نظر گرفته شده بود؛ بررسی این تجهیزات و رهگیری امواج آن‌ها بخشی از کار نیروهای اطلاعاتی بود.

بر اساس این گزارش، یکی از فیلم‌های فعالیت ابومهدی المهندس رصد زیربنای تجهیزات مرکزی مخابراتی او و نیروهایش را فراهم کرد. از جمله می‌شد دید که دستگاه‌های در حال شارژ شدن در این فیلم، که از نوع چینی است، همان‌هاست که در زمان حضور قاسم سلیمانی در منطقه عراق در دست او و ابومهدی المهندس نیز هست. به نوشته اینتلی‌تایمز، این تجهیزات ارتباطی همچنین در دست نیروهای دیده شده بود که در دوره اخیر در مرز عراق و سوریه حضور دارند. اسرائیل می‌گوید ایران و حشد الشعبی، از طریق منطقه مرزی القائم عراق با ابوکمال سوریه، در حال تکمیل امکانات برای «تثبیت حضور نظامی» در «حلقه آتش» به دور اسرائیل در سوریه است و از طریق این گذرگاه، تجهیزات نظامی زیادی به منطقه وارد کرده است.

تجهیزات مخابراتی در دست این نیروها در این ناحیه مرزی، بر روی خودروهای هم که شبه‌نظامیان شیعی عراق از آن برای تردد در منطقه استفاده می‌کنند، نصب شده است. خودروهای زرهی عملیاتی نوع SUV در اختیار قاسم سلیمانی و مشاوران و نیروهای اصلی اطراف او بوده است. همچنین آنتن‌هایی که ارتباطگیری بدون سیم را فراهم می‌کند و در این خودروها نصب بوده، در مدار رصد اطلاعاتی قرار داشت. اینتلی‌تایمز خودروهای تویوتای مورد استفاده را نیز تجهیز شده به امکانات ضد گلوله توصیف کرده اما ضربه راکت‌های شلیک شده، بختی برای زنده ماندن هیچیک از سرنشینان دو خودرو باقی نگذاشت. به گزارش رسانه‌ها، رصد تمامی جزئیات زندگی و افراد و همراهان یک مهره مورد تعقیب، برای به دست آوردن نقاط ضعفی که به موفقیت طرح سوءقصد کمک کند، بخشی از الفبای کار اطلاعاتی است.

سلیمانی فرمانده سپاه تروریستی «قدس» بود

قاسم سلیمانی در سال ۱۳۳۶ در روستای رابر در استان کرمان به دنیا آمد. کاو در نخستین ماه‌های انقلاب ۱۳۵۷ در سازمان آب استان کرمان آغاز به کار کرد و سپس پاسدار سپاه شد و آن‌طور که خود گفته قرار بود فقط ۱۵ روز در سپاه مأمور باشد، اما تا انتهای جنگ در جبهه‌ها ماند.

در ابتدای جنگ ایران و عراق گردانی متشکل از نیروهای رزمی کرمان را با همفکران خود تشکیل داد که کمی بعد به تیپ زرهی و نهایتاً به لشکر ۴۱ ثارالله تبدیل شد. او از ابتدای تشکیل این لشکر در سال ۱۳۶۱ تا رفتن به نیروی قدس در سال ۱۳۷۶ فرمانده لشکر ثارالله بود که در بسیاری از عملیات‌های سپاه در جنگ نقشی کلیدی داشت. او در فاصله میان پایان جنگ و فرماندهی‌اش بر نیروی قدس، همچنان فرمانده لشکر ثارالله بود که با توجه به این‌که یکی از مجهزترین و قوی‌ترین یگان‌های رزمی شرق ایران بود، ظاهراً بخش عمده‌ای از مشغولیتش پس از جنگ مبارزه با گروه‌های قاچاق مواد مخدر و همچنین مرزبانی استان‌های همجوار با پاکستان و افغانستان بود.

نیروی قدس سپاه که در اوایل جنگ در قالب واحد کوچکی به منظور هدایت فعالیت برون مرزی سپاه در عراق و لبنان به عنوان زیر مجموعه واحد روابط بین‌الملل سپاه تشکیل شد و سپس به قرارگاه برون‌مرزی رمضان تبدیل شد، نهایتاً به یکی از واحدهای اصلی سپاه تبدیل شد و سپس «سپاه قدس» نیز نامیده شد.

قاسم سلیمانی عملاً کارگزار سیاست خارجی کلان جمهوری اسلامی در منطقه خاور میانه بود که مستقیماً از خامنه‌ای دستور می‌گرفت. حتی بنا بر تأیید برخی از مقام‌های جمهوری اسلامی ایران سفیران کشورهایی مانند سوریه، عراق و لبنان باید به تأیید او می‌رسید و سفیران ایران در این کشورها همه از فرماندهان پیشین نیروی قدس بودند.

سلیمانی مرتباً با مقامات مهم کشورهای متحد ایران در منطقه به ویژه بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه و حسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله دیدار داشت.

قاسم سلیمانی هم چنین رابطه نزدیکی با فرماندهان شبه‌نظامیان شیعه عراق و لبنان داشت. از عماد مغنیه، فرمانده شاخه نظامی حزب‌الله که چند سال پیش کشته شد تا ابو مهدی مهندس و هادی عامری از فرماندهان حشد شعبی. حتی چند سال پیش خبرهای ضد و نقیضی از سفر او به روسیه هم منتشر شد که در واکنش به آن علی اکبر ولایتی، مشاور رهبر ایران گفت: «رفت و آمد سردار سلیمانی و هماهنگی با مقامات روسی در وضعیتی که اتحاد ایران و روسیه در مبارزه با گروه‌های تروریستی رو به گسترش بوده کاملاً طبیعی است.»

نخستین بار که نام او در سیاست مطرح شد، دو سال پس از فرماندهی‌اش در نیروی قدس و همزمان با رخداد های ۱۸ تیر ۱۳۷۸ بود که همراه با ۲۳ فرمانده دیگر سپاهی نامه‌ای اعتراض‌آمیز با لحنی تند به محمد خاتمی، رئیس جمهور وقت نوشت.

امضاکنندگان هر کدام در سال‌های بعد سرنوشتی متفاوت پیدا کردند، تعدادی کشته شدند، تعدادی به بالاترین مناصب نظامی در جمهوری اسلامی رسیدند و تعدادی وارد عرصه سیاست شدند.

در این میان قاسم سلیمانی همان شغل خود را حفظ کرد و فقط با افزایش نفوذ و اهمیت نیروی قدس در سال ۱۳۸۹ به درجه سرلشکری رسید که بالاترین درجه در جمهوری اسلامی است که به یک نظامی در قید حیات داده می‌شود.

راه انداختن جنگ‌های نیابتی توسط سپاه قدس و آموزش و تسلیح گروه‌های تروریستی شیعی

سپاه قدس که قاسم سلیمانی فرماندهی آن را به عهده داشت علاوه بر تهدید و ترور مخالفین جمهوری اسلامی، در سازماندهی جنگ‌های نیابتی و آموزش گروه‌های تروریستی مذهبی نیز فعال بود. اما فعالیت‌های سپاه قدس به همین فعالیت‌ها محدود نبوده و در عرصه‌های همچون قاچاق اسلحه، مواد مخدر، پول‌شویی و سایر فعالیت‌های مجرمانه دیگر نقش دارد. از سال ۲۰۰۷ نیروی قدس و قاسم سلیمانی در لیست تحریم‌های امریکا قرار گرفتند. نهادهایی هم که در کنترل سپاه قدس هستند یا به عملیات سپاه قدس کمک می‌کنند در طول این سال‌ها در لیست تحریم‌ها گنجانده شدند، مثل بانک صادرات، صنایع هوایی قدس و ماهان ایر. در آوریل سال ۲۰۱۹، امریکا برای اولین بار نیروی رسمی نظامی یک کشور یعنی سپاه پاسداران و به تبع آن سپاه قدس را در فهرست نهادهای تروریستی قرار داد.

«مدافعان حرم اهل بیت» یا «مدافعان حرم» به گروهی از اعضای سپاه، بسیج، نیروهای مذهبی حامی خامنه‌ای و برخی مراجع تقلید شیعه و ۱۵ گروه از شبه‌نظامیان شیعه گفته می‌شود که با عنوان «دفاع» از آرامگاه‌های امامان شیعه و نوادگان آن‌ها در سوریه و عراق مشغول جنگ هستند.

اعضای این گروه شبه‌نظامی که نیروی «قدس» سپاه پاسداران با همکاری حزب‌الله لبنان در آموزش و ساماندهی آن‌ها نقش دارد را ترکیبی از شیعیان ایران، افغان، پاکستان، عراق، سوریه و لبنان تشکیل داده‌اند.

در ایران از مجموعه‌ای به نام قرارگاه مرکزی «امام حسین» وابسته به سپاه پاسداران که حسین همدانی جانشین آن است به‌عنوان مهم‌ترین مرکز سازماندهی و هدایت نیروهای «مدافعان حرم» نام برده می‌شود.

از قرارگاه مرکزی «امام حسین» اطلاعات چندانی در دست نیست، اما به نظر می‌رسد این قرارگاه با هدف هدایت جنگ در سوریه و عراق راه‌اندازی شده باشد.

حسین همدانی فرمانده سابق سپاه تهران، شناخته‌شده‌ترین عضو ارشد این قرارگاه است که در دو سال اخیر بارها درباره تحولات سوریه و چگونگی راه‌اندازی واحدهای «بسیج» و سایر گروه‌های مسلح در این کشور سخنرانی کرده است.

همدانی در سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهای رسانه‌ای خود جزئیات زیادی درباره عملکرد ایران در سوریه بیان کرده و گفته در حال حاضر ۷۰ هزار جوان «علوی»، «سنی» و «شیعی» در سوریه توسط سپاه برای جنگ سازماندهی شده‌اند.

همدانی افزوده این جوانان در قالب ۴۲ گروه و ۱۲۸ گردان در سوریه در حال جنگ بوده و ۱۳۰ هزار بسیجی آموزش‌دیده ایران نیز به منظور جنگ منتظر ورود به سوریه هستند.

محمد اسکندری، فرمانده سپاه «ملایر» یکی دیگر از فرماندهان سپاه است که اعلام کرده این سازمان نظامی ۴۲ تیپ و ۱۳۸ گردان مجهز را برای جنگ با مخالفان بشار اسد در داخل خاک سوریه آماده کرده است.

محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران، نیز تعداد نیروی‌های مبارز در عراق و سوریه را در مجموعه ۲۰۰ هزار نفر اعلام کرده که در قالب نیروهای «مسلح مردمی» مشغول جنگ هستند.

همه این نیروها در قالب سپاه بین‌المللی «مدافعان حرم» در سوریه و عراق می‌جنگند.

«مدافعان حرم» با عضویت غیررسمی نیروهای «قدس» سپاه پاسداران و دست‌کم ۱۵ گروه نظامی مشهور تشکیل شده که در حال حاضر در سوریه و عراق در حال جنگ با گروه «داعش» هستند.

هسته اولیه گروه «مدافعان حرم» را آن‌طور که رسانه‌های ایران گزارش کرده‌اند گردان «ابوالفضل العباس» به رهبری فردی به نام «عبدالمیر الربیعی» تشکیل داده است.

اعضای گردان «ابوالفضل العباس» که در شهر نجف و با فتوای «شیخ قاسم الطائی» یکی از علمای شیعه عراق در سال ۲۰۰۵ میلادی پایه‌گذاری شده، شامل «گردان‌های حزب‌الله» شیعه و برخی دیگر از نیروهای شبه‌نظامی شیعی این کشور هستند که سابقه فعالیت بعضی از آن‌ها به دوران صدام حسین می‌رسد.

گردان «ابوالفضل العباس» یکی از نخستین گروه‌های شیعه عراقی بود که با آغاز درگیری‌ها در سوریه راهی این کشور شد و در اول فوریه ۲۰۱۳ میلادی رهبری چندین گروه دیگر جنگجویان شیعی در سوریه را برعهده گرفت و با انتشار بیانیه‌ای رسمی اعلام موجودیت کرد.

در این بیانیه به تشکیل گروهی جدید و بین‌المللی با همین نام اشاره شده که هدف آن «ایمان به اسلام و مقاومت در برابر گروه‌های تکفیری» اعلام شده بود.

مهم‌ترین گروه‌هایی که در حال حاضر در سوریه و عراق مشغول جنگ با گروه «داعش» هستند را نیروهای زیر تشکیل می‌دهند:

۱- نیروی «قدس» سپاه پاسداران:

از این نیرو بعد از نیروی زمینی، هوایی، دریائی و بسیج به عنوان پنجمین نیروی سپاه پاسداران نام برده می‌شود که ماموریت‌های «برون‌مرزی» این نهاد را برعهده دارد. نیروی «قدس» در جریان جنگ ایران و عراق راه‌اندازی شد و هدف آن انجام ماموریت‌های شناسائی و نظامی در خاک عراق بود.

پس از آغاز ناآرامی‌ها در سوریه در سال ۲۰۱۱ دور جدیدی از ماموریت‌های نیروی «قدس» سپاه در منطقه به خصوص سوریه آغاز شد، ضمن این که این ماموریت با حمله گروه «داعش» به عراق، گسترده‌تر از قبل نیز شده است.

نیروی «قدس» سپاه پس از دستگیری و آزادی چندین فرمانده ارشد خود در ماه‌های نخستین درگیری سوریه، به آرامی رویکردش در اعزام نیرو را تغییر داد و به حزب‌الله لبنان در زمینه اعزام، آموزش و سازماندهی این نیروها نقش بیشتری داد.

در این تغییر رویکرد، فرماندهان این نیرو تصمیم به راهاندازی «ستاد مردمی مدافعان حرم» در ایران گرفتند تا از این طریق بتوانند نیروهای داوطلب جنگ در سوریه را سازمان‌دهی و به این کشور اعزام کنند.

این ستاد تاکنون بیش از ۱۰ تجمع با عنوان «مدافعان حرم» در تهران و تجمعات فراوان دیگری در سایر شهرهای ایران به منظور تشویق جوانان مذهبی برای پیوستن به جنگ سوریه برگزار کرده است.

مسئولیت برگزاری این تجمع را هیاتی در تهران به نام «هیات‌الرضا» برعهده دارد که مداح آن یعنی عبدالرضا هلالی یکی از کارمندان سپاه تهران است.

این ستاد طی سه سال گذشته توانسته ده‌ها تن از جوانان مذهبی فعال در مساجد، حسینیه‌ها، پایگاه‌های بسیج و حتی برخی اعضای سپاه شهرستان‌ها را از ایران برای جنگ به سوریه اعزام کند.

بیکر ده‌ها تن از اعضای این گروه تاکنون در شهرهای مختلف ایران تشییع و به خاک سپرده شده و از تعداد دقیق این کشته‌ها اطلاع دقیقی در دست نیست.

سپاه پاسداران با وجود تشدید درگیری‌ها در سوریه و عراق و حضور رسمی قاسم سلیمانی در میداین جنگی عراق، همچنان از طریق گروه «مدافعان حرم» اقدام به اعزام نیرو به این دو کشور می‌کند تا هزینه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دخالت‌های خود در امور داخلی برخی کشورهای منطقه را کاهش دهد.

۲- حزب‌الله لبنان

حزب‌الله لبنان شناخته‌شده‌ترین گروه در جنگ شیعیان با گروه «داعش» در سوریه و عراق است که حسن نصرالله، دبیرکل آن بارها حضور نظامی نیروهای این گروه در سوریه را تأیید کرده است.

حزب‌الله لبنان از اواخر سال ۲۰۱۲ در درگیری‌های سوریه مشارکت داشته و شمار کشته‌های آن تا بیش از ۲۵۰ نفر اعلام شده است.

این گروه به عنوان مهم‌ترین مرجع آموزش و طراح جنگ شهری در عراق و سوریه محسوب می‌شود که به خواست ایران وارد درگیری‌ها در این دو کشور شده است. بسیاری از شبه‌نظامیان شیعی در این دو کشور از سوی فرماندهان زبده حزب‌الله لبنان آموزش داده می‌شوند.

علت واگذاری این مأموریت به حزب‌الله لبنان از سوی نیروی «قدس» سپاه، تجربه بالای این گروه در جنگ چندین ساله با اسرائیل است؛ سال‌ها جنگ شهری و منطقه‌ای، فرماندهان این نیرو در جنگ شهری را زبده کرده است.

«حزب‌الله لبنان» با الهام گرفتن از الگوی همکاری خود با نیروی «قدس» سپاه، دستکم از دو گروه «کتاب حزب‌الله» و «عصائب اهل الحق» در عراق برای تعلیم و تجهیز چند گروه شبه‌نظامی شیعی دیگر استفاده می‌کند.

بسیاری از نیروهای این گروه در حال حاضر در مناطقی از سوریه و عراق با گروه «داعش» مشغول جنگ هستند.

در سایت رسمی آیت‌الله خامنه‌ای صفحه ویژه‌ای به نام «مقاومت» راه‌اندازی شده که محتوای بسیاری از آن مربوط به حسن نصرالله، فعالیت‌های حزب‌الله لبنان و سخنان رهبر جمهوری اسلامی درباره تحولات این مناطق است.

در این صفحه نقشه‌ای وجود دارد که کشورهای ایران، بحرین، سوریه، عراق، یمن، لبنان، پاکستان، میانمار، هندوستان، فلسطین، مصر، لیبی و تونس را با رنگ‌های متفاوتی ترسیم کرده و این کشورها را محور «مقاومت اسلامی» معرفی کرده است.

مدیریت اصلی اجرای این پروژه آن‌طور که سردار علی شادمانی، معاون عملیات ستاد کل نیروهای مسلح اعلام کرده از سوی آیت‌الله خامنه‌ای به سپاه پاسداران واگذار شده است.

این نقشه نشان دهنده دقیق و روشنی از سیاست‌های جمهوری اسلامی برای گسترش نفوذ خود در این کشورها است که در حال حاضر با عاملیت حزب‌الله لبنان دنبال می‌شود.

در این سیاست، حزب‌الله لبنان مأموریت یافته در کشورهای مذکور اقدام به راه‌اندازی «هسته‌های مقاومت» به نام «حزب‌الله» کند.

حزب‌الله لبنان براساس این نقشه و با همکاری نیروی «قدس» سپاه پاسداران تاکنون توانسته در سوریه، عراق، پاکستان، یمن، فلسطین و تونس اقدام به راه‌اندازی تشکیلات «حزب‌الله» کند.

حزب‌الله لبنان در سال‌های اخیر همسو با جمهوری اسلامی درباره تحولات داخلی این کشورها موضع‌گیری روشنی داشته و از تحولات این کشورها همسو با منافع ایران دفاع کرده است.

۳- حزب‌الله سوریه

حزب‌الله سوریه شاخه دوم حزب‌الله لبنان در کشور سوریه است که حسین همدانی، جانشین قرارگاه مرکزی «امام حسین» تشکیل این مجموعه از سوی جمهوری اسلامی را تأیید کرده است.

این گروه شامل جنگجویان حامی بشار اسد در سوریه است و به صورت محدود به ارتش این کشور در پیکار با مخالفان اسد کمک می‌کند.

حزب‌الله سوریه در آوریل ۲۰۱۴ میلادی ضمن اعلام کشته شدن هشت تن از اعضای خود با صدور بیانیهای اعلام موجودیت کرد.

طبق گزارش‌ها اعضای حزب‌الله از شیعیان ۱۲ امامی سوریه تشکیل شده و آموزش آن‌ها بر عهده فرماندهان حزب‌الله لبنان و سپاه پاسداران است.

تعداد نیروهای این گروه ۱۵ هزار نفر برآورد می‌شود و اعضای آن در فیلمی که منتشر شده، اعلام کرده‌اند راه روح‌الله خمینی را ادامه خواهند داد و به دفاع از آرامگاه «حضرت زینب» خواهند پرداخت.

۴- سپاه «بدر»

سپاه «بدر» مشهورترین عضو «مدافعان حرم» در عراق است که رابطه بسیار نزدیکی با جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران در ایران دارد.

این سپاه جزء ۴۲ گروه شبه‌نظامی فعال در عراق است که به همراه ۲۸ گروه شبه‌نظامی دیگر «مستقیماً مورد حمایت ایران» قرار دارند.

سپاه «بدر» شاخه نظامی مجلس اعلای اسلامی عراق بوده که در سال ۱۹۸۰ میلادی توسط محمدباقر حکیم رئیس وقت این تشکل سیاسی - نظامی و با عضویت گروهی از اسرا و پناهندگان عراقی در ایران تأسیس شد.

اعضای این سپاه خود را از فدائیان روح‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، می‌دانند و در زمان صدام حسین، مبارزه با حکومت وی را «جهاد فی‌سبیل‌الله» عنوان می‌کردند.

فرماندهی سپاه «بدر» را در حال حاضر هادی عامری بر عهده دارد که پیش‌تر نماینده مجلس و وزیر حمل و نقل دولت عراق بوده و شخصیت مهمی در «بسیج مردمی» عراق علیه گروه «داعش» است.

هادی عامری ارتباط بسیار نزدیکی با قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی «قدس» سپاه داشت و تصاویر متعددی از این دو فرمانده نظامی در عراق منتشر شده است.

پنج نوامبر سال ۲۰۱۴ نیز تصویری از عامری و سلیمانی در خانه رهبر جمهوری اسلامی منتشر شد که در آن زمان بازتاب‌های فراوانی به همراه داشت و نشانه نزدیکی این فرمانده سپاه عراق به رهبر جمهوری اسلامی بود.

بیشتر نیز این سپاه ویدیویی در تعریف و تمجید از آیت‌الله خامنه‌ای ساخته و پخش کرده است. مقرر کنونی این سپاه در عراق، پادگان «اشرف» مقرر سابق اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران است که در جولای سال ۲۰۱۴ در اختیار این سازمان نظامی قرار گرفت.

۵- گردان «ابوالفضل العباس» یا «لواء ابوالفضل العباس»

گردان «لواء ابوالفضل العباس» که متشکل از چند گروه نظامی شیعی عراقی است، به طور رسمی در اول فوریه سال ۲۰۱۳ با هدف حفاظت از آرامگاه زینب، دختر امام اول شیعیان در سوریه اعلام موجودیت کرد.

اعضای این گردان را علاوه بر گروه «اليوم الموعود» وابسته به «جریان صدر» به رهبری «مقتدی الصدر» و گروه «عصائب أهل الحق» به رهبری «شیخ قیس الخزعلی» وابسته به «جیش المهدی»، گروهی از اعضای حزب‌الله لبنان و اتباع عراقی ساکن دمشق تشکیل می‌دهند.

تاکنون چندین فیلم از گردان «ابوالفضل العباس» در سایت‌های مختلف اینترنتی پخش شده که در یکی از آن‌ها اعضای این گردان تاکید می‌کنند تنها با هدف دفاع از آرامگاه «حضرت زینب» وارد دمشق شده‌اند.

برخی اعضای این گردان پس از حمله گروه «داعش» به خاک عراق به جمع سایر شیعیانی پیوسته‌اند که با هدف مقابله با گروه «داعش» در این کشور سلاح به دست گرفته‌اند.

«علاء الکعبی»، مسؤول نظامی گردان «ابوالفضل العباس» تعداد نیروهای فعلی این گردان در خاک عراق را ۵۰۰ نفر اعلام کرده است.

برخی خبرگزاری‌های رسمی در ایران تشکیل این گردان در سوریه را اقدامی از سوی حزب‌الله لبنان و شخص حسن نصرالله اعلام کرده‌اند.

فرماندهی این گردان را فردی به نام حسین ابو عجیب از شیعیان عراقی ساکن سوریه برعهده دارد که دارای ارتباط نزدیکی با نیروی «قدس» سپاه پاسداران است.

۶- گردان «فاطمیون»

گردان «فاطمیون» یکی دیگر از گروه جنگجویان شیعه حاضر در سوریه است که بسیاری اعضای آن را شماری از افغان‌های مقیم ایران تشکیل می‌دهند؛ آن‌ها پس از جذب، آموزش و سازماندهی در پادگان‌های سپاه به این کشور اعزام می‌شوند.

این گردان آن‌طور که رسانه‌های ایران اعلام کرده‌اند ابتدا از سوی ۱۷ نفر از افغان‌های شیعه مقیم دمشق تشکیل شد و پس از گسترده شدن جنگ در سوریه، به یک گردان نظامی تبدیل شد.

براساس برخی گزارش‌ها در حال حاضر بیش از دو هزار و ۵۰۰ عضو این گردان که از شیعیان افغان مقیم کابل، ایران و سوریه هستند در مناطق مختلفی از خاک سوریه به جنگ مشغولند.

این گزارش‌ها تعداد افغان‌های کشته شده عضو این گردان در درگیری‌های سوریه را صدها نفر اعلام کرده‌اند.

پیکر تعداد قابل توجهی از اعضای کشته شده این گردان در سال‌های گذشته در شهرهای مختلف ایران به خصوص قم و مشهد تشییع و به خاک سپرده شده است.

افغان‌های شیعه مهاجر بسیاری سال‌هاست که در دو شهر مذهبی قم و مشهد زندگی می‌کنند.

بسیاری از اعضای گردان «فاطمیون» ساکن این دو شهر بوده و کار سازماندهی و اعزام آن‌ها را سپاه استانی قم و خراسان رضوی برعهده دارند.

فرماندهی اصلی این گردان را فردی به نام علیرضا توسلی معروف به «ابوحامد» برعهده داشت که ۲۸ فوریه سال ۲۰۱۵ در «دراعا» سوریه کشته و پیکر وی چند روز بعد در مشهد به خاک سپرده شد.

پس از مرگ توسلی که گزارش شده در جنگ ایران و عراق نیز حضور داشته است، تصاویر قابل توجهی از وی با قاسم سلیمانی منتشر شد.

در شبکه‌های تلویزیونی ایران چندین فیلم از گردان «فاطمیون» و اعضای کشته شده آن تهیه و پخش شده است.

۷- گردان «زینبیون»

گردان نوپای «زینبیون» سومین گروه نظامی سازماندهی شده از داخل ایران برای جنگ در سوریه است که اعضای آن را شیعیان پاکستانی مقیم ایران تشکیل داده‌اند.

این گردان پس از حمله گروه «داعش» به عراق و با حمایت نیروی «قدس» سپاه راهاندازی شده و مأموریت اصلی آن در عراق تعریف شده است.

پایگاه اصلی این گردان در شهر مذهبی قم و اسلام‌آباد پاکستان قرار دارد. تاکنون پیکر چندین عضو کشته شده این گردان در قم تشییع و به خاک سپرده شده است.

گفته می‌شود این گردان ارتباط نزدیکی با «حزب‌الله پاکستان» دارد و دبیر کلی آن را فردی به نام «هادی نقوی» عهده‌دار است. نقوی به صراحت اعلام کرده که این گروه زیر مجموعه حزب‌الله لبنان است.

حزب‌الله لبنان علاوه بر پاکستان چندین شاخه نظامی دیگر در سوریه و عراق راهاندازی کرده که این گروه‌ها هدف خود را مقابله با نیروهای «تکفیری» اعلام کرده‌اند.

۸- گردان «لواء ذوالفقار»

این گردان بعد از گردان «ابوالفضل العباس» دومین گروه مسلح شیعی عراقی در دمشق است که اعضای آن اعلام کرده‌اند مشغول «دفاع» از آرامگاه دختر امام اول شیعیان هستند.

فرماندهی این گردان را «ابوشهد الجبوری» برعهده داشت که وی نیز فوریه سال ۲۰۱۴ در درگیری‌های دمشق جان خود را از دست داد.

«الجبوری» پیش از مرگ ارتباط نزدیکی با جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران داشت و تصاویر متعددی از وی در ایران منتشر شده که نشانه‌ای از میزان ارتباط وی با جمهوری اسلامی است.

جانشین «الجبوری» فردی به نام «فاضل صبحی» معروف به «ابوهاجر» از اعضای گروه «عصائب‌الحق» عراق بود که در درگیری‌های سوریه کشته شد و از سفرهای وی به ایران نیز تصاویر متعددی منتشر شده است.

از این گردان اطلاعات زیادی در دست نیست، اما دو فرمانده آن یعنی «ابوشهد الجبوری» و «فاضل صبحی» از شناخته‌شده‌ترین اعضای «مدافع حرم» در ایران به شمار می‌روند.

۹- گروه عصائب اهل حق

مجوز فعالیت نظامی گروه «عصائب اهل حق» عراق به دبیر کلی «شیخ قیس خزعلی» را محمود هاشمی شاهرودی صادر کرده است.

محمود هاشمی شاهرودی، رئیس سابق قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و عضو کنونی هیأت رئیسه مجلس خبرگان و متولد عراق است.

«عصائب اهل حق» اعلام کرده حضور نیروهای امریکائی در خاک عراق به نام «ائتلاف» در برابر «داعش» را به منزله اشغال خاک این کشور می‌داند و با این نیروها وارد جنگ خواهد شد.

آگوست و اکتبر سال ۲۰۱۴ دو گروه از اعضای «عصائب اهل حق» برای تمرین‌های نظامی و دیدار با برخی روحانیون بلندپایه قم به ایران سفر کردند که در آن زمان انتشار تصاویری از آن‌ها بازتاب‌های زیادی در رسانه‌ها به همراه داشت.

اعضای این گروه جزء نخستین افرادی بودند که با آغاز درگیری‌ها در سوریه وارد این کشور شده و علیه مخالفان بشار اسد مشغول جنگ شدند و در حال حاضر نیز در عراق مشغول جنگ هستند.

جوانی به نام مهدی بختیاری، نماینده گروه «عصائب اهل حق» در ایران است.

«عصائب اهل حق» از جمله گروه‌های شیعه عراقی است که معتقد به «ولایت فقیه» و ولایت آیت‌الله علی خامنه‌ای است.

این گروه که «حزب‌الله لبنان» را از الگوهای خود معرفی می‌کند، قبل از حمله گروه «داعش» به عراق حدود سه هزار نفر عضو داشت و در حال حاضر تعداد نیروهایش را بیش از ۵۰ هزار نفر اعلام کرده است.

۱۰- «سرایا السلام»

نام قبلی این گروه «جیش‌المهدی» بود و مقتدی صدر، روحانی تندروی شیعه در عراق رهبری آن را بر عهده دارد. «لواء الیوم» نام دیگر گروه «سرایا السلام» است.

سرایا السلام یکی از گروه‌های نظامی در عراق است که پس از سقوط شهر موصل به دست داعش، توسط مقتدی صدر راه‌اندازی شد.

نام مقتدی صدر در سال ۲۰۰۳ پس از سقوط رژیم صدام بر سر زبان‌ها افتاد. وی که فرزند آیت‌الله محمد محمدصادق صدر از مراجع عظام تقلید عراق بود، پس از اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳ توسط آمریکا، گروهی به نام «جیش‌المهدی» تشکیل داد.

مقتدی صدر هدف از تشکیل این گروه مسلح را مبارزه با «اشغالگران» اعلام کرد و نیروهای «جیش‌المهدی» بارها با نیروهای آمریکا در شهرهای مختلف عراق به خصوص در شهر نجف درگیر شدند.

صدر به دلایلی در سال ۲۰۰۹ نام این گروه را به «لواء الیوم الموعود» تغییر داد، اما هدف اصلی آن که مبارزه با نیروهای آمریکایی بود، همچنان به قوت خود باقی مانده است.

مقتدی صدر پس از اشغال شهر موصل به دست داعش و صدور فتوای جهاد کفائی از سوی آیت‌الله علی سیستانی، گروه «سرایا السلام» را تشکیل داد.

بسیاری از اعضای این گروه در گذشته عضو «جیش‌المهدی» و «لواء الیوم الموعود» بودند.

در ابتدا هدف گروه «سرایا السلام» تنها حفاظت از مساجد و اماکن مقدس شیعیان و اهل سنت عراق بود، اما بعداً اعضای این گروه در درگیری‌های متعدد با «داعش» در مناطق مختلفی همچون سامراء، دیالی، آمرلی و جرف الصخر شرکت کردند.

۱۱- «سرایا الخراسانی»

اعضای گردان «سرایا خراسانی» را بیشتر شیعیان جنوب و مرکز عراق تشکیل داده‌اند و هدف اصلی آن مبارزه با گروه «داعش» است.

فرماندهی این گردان شیعی را فردی به نام «سیدعلی الیاسری» بر عهده دارد و در گفت‌وگویی به صراحت خواستار تشکیل سپاه پاسداران در عراق شده است.

یکی از ویژگی‌هایی که گردان نظامی «سرایا خراسانی» را از دیگر گروه‌های نظامی در عراق و سوریه متمایز می‌کند لوگو و نشانی است که این گروه برای خود انتخاب کرده که مانند نشان سپاه پاسداران ایران است. این گروه به علت وابستگی‌های مستقیم به تهران از دیگر گروه‌های شیعه پیشی گرفته و به خوبی از لحاظ نظامی و لجستیکی پشتیبانی می‌شود.

در یکی از ویدیو کلیپ‌هایی که از سوی گروه «سرایا الخراسانی» تولید و منتشر شده از حمید تقوی، یکی از فرماندهان کشته شده سپاه در عراق به عنوان موسس این گروه نام برده شده است.

حمید تقوی یکی از فرماندهان نیروی «قدس» سپاه بود که در دسامبر سال ۲۰۱۴ در سامرا کشته شد و تصاویری از وی در برخی خیابان‌های شهر عراق نصب شده است.

تلویزیون نوپای «افق» وابسته به سپاه پاسداران نیز هفت آوریل سال ۲۰۱۵ مستندی از یکی از عملیات این گروه در آزادی شهر «بلد» را پخش کرده که برخی از اعضای آن بر روی لباس‌های خود تصاویری از آیت‌الله علی خامنه‌ای حمل می‌کنند.

۱۲- «کتاب حزب‌الله»

گردان‌های حزب‌الله عراق (کتاب حزب‌الله فی‌العراق) یکی دیگر از گروه‌های جنگجوی شیعه در عراق است که بیش‌تر اعضای آن را مقلدان آیت‌الله محمدباقر صدر و آیت‌الله خمینی دو تن از مراجع تقلید شیعه تشکیل داده‌اند.

«کتاب حزب‌الله» در سال ۲۰۰۳ میلادی راه‌اندازی شد. این گروه با این‌که جزء مخالفان سرسخت صدام حسین بود، اما به شدت اشغال کشور به دست نیروهای خارجی را رد می‌کرد.

«کتاب حزب‌الله» پس از سقوط صدام، نخستین عملیات ضد امریکائی خود را در تاریخ ۲۳ اکتبر سال ۲۰۰۳ در منطقه «بلدلیات» شهر بغداد انجام داد و تا سال ۲۰۱۱ به انجام این نوع عملیات مبادرت می‌کرد.

«گردان‌های حزب‌الله عراق» تنها گروه شبه‌نظامی شیعه عراقی است که در لیست سیاه تروریستی امریکا قرار دارد. پس از آغاز بحران سوریه، نیروهای «کتاب حزب‌الله» برای دفاع از حکومت بشار اسد وارد سوریه شدند که این حضور همچنین ادامه دارد.

اعضای «گردان‌های حزب‌الله عراق» در حال حاضر در عراق و سوریه مشغول جنگ با گروه «داعش» هستند. این گروه از توانائی بالای امنیتی و عملیاتی برخوردار است، زیرا هدف آن‌ها از ابتدا نفوذ به سرویس‌های اطلاعاتی امریکا یا عراق بود.

«رحمان الجزائری»، دبیرکل «گردان‌های حزب‌الله» عراق اعلام کرده که این تشکیلات در حال حاضر بیش از پنج هزار نیرو در قالب سه گردان در عراق دارد.

۱۳- حزب‌الله عراق

«حزب‌الله عراق» در واقع بخشی از «حزب‌الله لبنان» به رهبری حسن نصرالله است که از سوی «وفاق البطاط» بنیان گذاشته شد.

وفاق البطاط متولد سال ۱۹۷۳ میلادی در استان «ميسان» عراق بود که از سال ۱۹۹۳ میلادی به همراه گروهی از مخالفان صدام حسین به ایران مهاجرت کرد.

البطاط که سال‌های زیادی در ایران زندگی کرده بود و سابقه عضویت در سپاه «بدر» را داشت در سال ۲۰۰۲ اقدام به راه‌اندازی تشکیلاتی به نام «ثارالله» کرد و به گروه «جیش‌المهدی» پیوست.

البطاط در سال ۲۰۰۶ در لبنان نام تشکیلات «ثارالله» را به «حزب‌الله» تغییر داد و بنای کار آن را بر «مقاومت اسلامی» گذاشت و بعد از خروج امریکا از عراق عنوان «مقاومت» را به «نهضت» تغییر داد. شمار اعضای «حزب‌الله عراق» آن‌طور که مسئولان آن اعلام کرده‌اند بیش از ۳۸۰ هزار نفر است که همگی آن‌ها مسلح بوده و در مجموع بیش از ۱۰ هزار موشک نیز در اختیار دارند.

۱۴- کتائب امام علی

گروهی از شبه‌نظامیان شیعی مقیم عراق را اعضای این گروه تشکیل داده‌اند و فرماندهی آن‌ها را «محمد شبیل الزیدی» برعهده دارد.

این گروه یک ماه پس از اشغال شهر موصل از سوی گروه «داعش» تشکیل شد.

علی موسوی با کنیه «ابوحسین» جانشین «شبیل الزیدی» در این گروه بود که ششم مارس سال ۲۰۱۵ در جریان آزادسازی شهر «تکریت» کشته شد.

«کتائب امام علی» همچون سایر گروه‌های شیعی با حمایت جمهوری اسلامی ایران و با هدف از مقابله با گروه «داعش» تشکیل شده است.

تصاویر بسیاری از فرماندهان این گروه در کنار قاسم سلیمانی در شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های خبری منتشر شده که نشان از ارتباط نزدیک موسسان آن با نیروی «قدس» سپاه دارد.

۱۵- کتائب سیدالشهداء

«کتائب سیدالشهداء» یکی از گردان‌هایی است که از سال ۲۰۰۳ با نیروهای امریکا در عراق می‌جنگید و از سال ۲۰۱۱ نقش موثری در جنگ سوریه ایفا کرده است.

اعضای این گردان را شیعیان عراقی تشکیل داده‌اند و هدف خود از حضور در سوریه را محافظت از آرامگاه «حضرت زینب» اعلام کرده‌اند.

براساس برخی گزارش‌ها تاکنون ۳۰ تن از اعضای این گروه در درگیری‌های سوریه جان خود را از دست داده‌اند.

از ابومصطفی خزعلی به عنوان فرمانده این گردان و از «ابو الاء اللوائی» به عنوان دبیرکل این گروه نام برده می‌شود که تصاویر و اطلاعات چندانی درباره آن‌ها در دسترس نیست.

تلویزیون رسمی ایران نیز مستندی درباره این گروه ساخته و پخش کرده است.

۱۶- «حركة النجباء»

«جنبش مقاومت اسلامی حرکت حزب‌الله النجباء» که به اختصار گردان «النجباء» نامیده می‌شود را گروهی از شیعیان نزدیک به جمهوری اسلامی تشکیل داده‌اند.

گردان «حزب‌الله نجباء» همانند گردان «اباالفضل‌العباس» از زیرشاخه‌های گروه «عصائب اهل الحق» بوده که فرماندهی آن را «شیخ اکرم الکعبی» از مشاوران و معاونان سابق «مقتدی صدر» برعهده دارد.

این گروه رابطه بسیاری نزدیکی هم با حزب‌الله لبنان دارد و در سایت‌های اینترنتی تصاویری از فرمانده آن با حسن نصرالله در سفری که به لبنان داشته، وجود دارد.

«ابوعیسی اقلیم» از فرماندهان نظامی حزب‌الله لبنان مسئولیت اصلی آموزش نظامی این گروه در عراق را برعهده داشته است.

از این فرمانده حزب‌الله نیز تصویری در کنار «الاکرم الکعبی» در سایت‌های خبری منتشر شده است.

«ابوعیسی اقلیم» در پی حمله بالگردهای اسرائیل به یک کاروان نظامی حزب‌الله لبنان در استان «قنیطره» سوریه به همراه جهاد مغنیه، یکی از فرمانده سپاه پاسداران و چند عضو دیگر حزب‌الله کشته شد. از «حرکه النجباء» اطلاعات زیادی در دست نیست، اما این گروه در تمجید از قاسم سلیمانی ویدیویی منتشر کرده است.

از «شیخ اکرم الکعبی» تصاویر مشترکی با قاسم سلیمانی منتشر شده است. «حرکه النجباء» تنها گروهی است که در جریان جنگ با گروه «داعش» در عراق ادعا کرده پهبادی به نام «یسیر» به منظور شناسائی مناطق عملیاتی ساخته و به پرواز درآورده است. از «یحیی الشیری» به‌عنوان نماینده «جنیش حزب‌الله النجباء» در ایران نام برده می‌شود که ۱۷ مارس سال ۲۰۱۵ در مراسمی که سفارت عراق در تهران برگزار کرد، حضور داشت.

سلیمانی، نقش بسیار بزرگی در به وجود آمدن وضعیت کنونی یمن داشت. یمن اکنون در آستانه فروپاشی اقتصادی و سیاسی قرار دارد.

بنا بر اعلام «پروژه داده‌های یمن»، بحران یمن که حوثی‌ها (انصارالله) مورد حمایت ایران به آن دامن زده اند، از سال ۱۳۹۴ تا سال ۲۰۲۰ منجر به کشته و زخمی شدن بیش از ۱۷ هزار و ۵۰۰ غیرنظامی شده است. بنا به گزارش دیده بان حقوق بشر، بیش از ۲۰ میلیون نفر دچار ناامنی غذایی هستند و ۱۰ میلیون نفر نیز در معرض خطر قحطی قرار دارند.

سلیمانی و سپاه پاسداران به لحاظ مالی، نظامی، و لجستیکی از حوثی‌ها پشتیبانی کردند و آن‌ها را قادر ساختند که دستور کار ایران را در یمن اجرا کنند. این امر موجب افزایش رنج یمنی‌ها در نتیجه طولانی شدن جنگ شده است؛ جنگی که اکنون در ششمین سال خود قرار دارد.

سپاه پاسداران از همان آغاز قصد داشت از حوثی‌ها به‌عنوان یک نیروی نیابتی برای برهم زدن توازن قدرت در منطقه استفاده کند. دلیل این امر موقعیت مکانی راهبردی آن گروه شبه‌نظامی در نزدیکی مرز جنوبی عربستان سعودی و تنگه باب المندب بوده است. تنگه باب المندب دروازه‌ای برای تجارت جهانی محسوب می‌شود.

اوایل سال ۱۳۹۴، یک فرمانده حزب‌الله به فایننشال تایمز گفته بود که جنگجویان حوثی و حزب‌الله طی ده سال گذشته در کنار هم آموزش دیده‌اند. او گفت: «آن‌ها همراه با ما در ایران آموزش دیدند. سپس ما آن‌ها را این‌جا (در لبنان) و در یمن تعلیم دادیم.»

بنا بر گزارشی که در اردیبهشت ۱۳۹۴ توسط مرکز مطالعات راهبردی فکر منتشر شد، سپاه پاسداران به‌طور مستقیم در آموزش نیروهای زبده حوثی نقش داشته است.

در آن گزارش آمده بود که این آموزش‌ها در دو مرحله اجرا شدند. نخستین دوره آن‌ها در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ با تمرکز بر فرماندهان رده بالا و متوسط برگزار شد. آن آموزش‌ها در لبنان، سوریه، و ایران انجام شد.

بنا بر این گزارش، مرحله دوم این آموزش در اردوگاه‌های حوثی‌ها در صعدة با شرکت نیروهای حزب‌الله و سپاه پاسداران برگزار شد.

اسماعیل قآنی، فرمانده جدید نیروی قدس، از نفوذی که سلیمانی زمانی از آن برخوردار بود، بی‌بهره است.



زینب سلیمانی فرزند قاسم سلیمانی

زینب سلیمانی فرزند آخر قاسم سلیمانی و دختر سوم او است. پیش از کشته شدن قاسم سلیمانی نیز تنها فرزند مجرد خانواده بود و خواهرانش نرگس و فاطمه و برادرانش حسین و محمد رضا ازدواج کرده بودند. از این جهت در سال‌های اخیر بسیار همراه پدرش بوده و بارها همراه او به سوریه، عراق و لبنان نیز سفر کرده است.

به همین دلیل برخی از سران گروه‌های نیابتی ایران در منطقه نیز او را در کنار پدرش می‌شناختند. این روابط در ادبیات زینب سلیمانی نیز تأثیر گذاشته و حسن نصرالله را «آقا سید» می‌نامد. اولین مصاحبه مفصلش نیز به جای تلویزیون ایران با شبکه المیادین وابسته به حزب‌الله لبنان بوده است.

به گفته زینب سلیمانی، قرار بوده در سفر آخر قاسم سلیمانی نیز همراهش باشد اما پدرش پیش از سفر تماس گرفته و گفته که «شرایط در عراق خوب نیست».

زینب سلیمانی دوره نوجوانی خود را در تهران و شهرک دقایقی که محل زندگی فرماندهان ارشد سپاه پاسداران است سپری کرده است.

گزارش‌های منتشر شده در سال‌های اخیر حکایت از روابط گرم خانواده سلیمانی با خانواده سران حزب‌الله لبنان داشت. گفته شده بود که زینب سلیمانی مدتی را نیز در لبنان بوده است. مدتی پس از کشته شدن قاسم سلیمانی نیز فیلمی از حضور او در لبنان و سخن گفتنش به زبان عربی منتشر شده بود.

زینب سلیمانی مدت کوتاهی پس از کشته شدن پدرش با رضا صفی‌الدین، فرزند هاشم صفی‌الدین، نفر دوم حزب‌الله ازدواج کرد. زینب مغنیه، دختر عماد مغنیه، این خبر را منتشر کرد. بعدها عزت‌الله ضرغامی، رئیس سابق صدا و سیما، نوشت که «بزرگان»، به زینب سلیمانی توصیه کرده بودند ازدواجش را که مقدمات آن قبل از کشته شدن پدرش فراهم شده بود، بیش از این به تأخیر نیندازد.

زینب سلیمانی از جمله معدود زنانی است که توانسته سخنران پیش از خطبه‌های نماز جمعه باشد و در جایگاه نماز جمعه تهران نیز سخنرانی کند. او سخنران مراسم تشییع پدرش در دانشگاه تهران بود و دو هفته بعد از کشته شدن پدرش در حالی که اسلحه به دست داشت سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه کرمان بود. نکته برجسته در سخنرانی‌های او نیز انتقام از کشته شدن پدرش است.

زینب سلیمانی رئیس بنیاد قاسم سلیمانی نیز هست و ماه گذشته خبر اختصاص بیش از هشت میلیارد تومان بودجه به این بنیاد خبرساز شد. او اما پس از واکنش‌ها به اختصاص این ردیف خواستار آن شد که این ردیف بودجه به «حل مشکلات مردم و ترویج مکتب» قاسم سلیمانی اختصاص پیدا کند. مدتی بعد اما مشخص شد که این بنیاد امسال ۱۰ میلیارد تومان بودجه داشت.

زینب سلیمانی در سالگرد کشته شدن پدرش نیز با راشا تودی و المیادین گفت‌وگو کرده است. گزارش‌های رسانه‌های خارجی یکی از دلایل شهرت پدرش نیز بود و اینک او نیز از فرصت حضور در این رسانه‌ها استفاده می‌کند.

به گزارش آوا تودی، ۲۷ آبان ۱۴۰۰، بر اساس سند مکتوبی که در اختیار آواتودی قرار گرفته، در نامه‌ای تحت عنوان «هدیه زینب سلیمانی به دختران جوانی که ازدواج کرده‌اند»، خطاب به ریاست شورای اجرائی گروه تروریستی حزب‌الله نوشته شده: «زینب سلیمانی مبلغ ۲ میلیون دلار (معادل ۵۷ میلیارد تومان) به خدمات اجتماعی حزب‌الله بخشیده و دستور داده، این مبلغ برای حمایت از ازدواج موقت و ازدواج دائم زنان جوان اختصاص پیدا کند.

در ادامه این نامه درباره موارد مصرف مبلغ فوق آمده است: این برنامه برای حمایت از دختران جوان در نظر گرفته شده است، مبلغ هزار دلار در صورت ازدواج برای بار اول تعلق می‌گیرد و مبلغ ۴۰۰ دلار برای ازدواج دوم پرداخت می‌شود.

در بخش دیگری از نامه با اشاره به این‌که درخواست‌کنندگان می‌توانند، مبلغ فوق را به صورت مستقیم از دفاتر خدمات اجتماعی گروه تروریستی حزب‌الله دریافت کنند، عنوان شده است: این برنامه حمایتی شامل انواع ازدواج دائم و موقت بوده و هر ذینفع فقط دو بار می‌تواند از طرح هدیه زینب سلیمانی استفاده کند.

اما علاوه بر حاتم‌بخشی دختر قاسم سلیمانی از جیب مردم ایران، نکته مهم دیگری که وجود دارد، این است که این نامه به امضای «هاشم صفی‌الدین» پدر همسر زینب سلیمانی و معاون اجرائی گروه تروریستی حزب‌الله رسیده است. دختر قاسم سلیمانی با همراهی خانواده همسر لبنانی خود و استفاده از جایگاه آنان در گروه تروریستی حزب‌الله، یک تجارت خانوادگی راه‌اندازی کرده و او نیز برای افزایش سهم خود از سفره «انقلاب» به این طریق ثروت مردم ایران را چپاول می‌کند.

ماریا معلوف، خبرنگار مشهور لبنانی که بارها با افشاگری علیه حزب‌الله خبرساز شده، با انتشار این سند در توئیتر خود نوشت: «مردم در ایران از گرسنگی می‌میرند و زینب، دختر قاسم سلیمانی ۲ میلیون دلار برای ترویج صیغه در لبنان اهدا می‌کند.

دولت روحانی ۵/۸ میلیارد تومان برای بنیاد دختر قاسم سلیمانی بودجه تعریف کرده بود. در ادامه سرمایه‌گذاری‌های مالی جمهوری اسلامی ایران برای تبلیغ قاسم سلیمانی، فرمانده کشته‌شده سپاه قدس، دولت حسن روحانی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ مبلغ ۵/۸ میلیارد تومان به بنیادی اختصاص داد که دختر او، زینب سلیمانی، آن را اداره می‌کند.

در متن لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ که معاون پارلمانی رئیس‌جمهور ایران روز چهارشنبه ۱۲ آذرماه برای بررسی و تأیید به مجلس ارائه داد، «بنیاد قاسم سلیمانی»، تحت نظر زینب سلیمانی، هشت میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان بودجه دریافت خواهد کرد.

از سال ۱۳۹۹ که این بنیاد راه‌اندازی شد تاکنون نام موسسان، متن اساسنامه و اهداف آن به صورت شفاف و با جزئیات منتشر نشده است.

در اردیبهشت‌ماه امسال رئیس نهاد نمایندگی علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در دانشگاه‌ها با انتشار متنی، انتصاب زینب سلیمانی به ریاست این بنیاد را تبریک گفته بود. او این انتصاب را بر مبنای نظر خامنه‌ای عنوان کرد.

در این متن تبریک هدف بنیاد یادشده «ترویج مکتب حاج قاسم»، «تحریک معنوی و انقلابی نهضت بیداری اسلامی» و «ادامه خط جهاد و مقاومت» عنوان شده بود.

با این حال عدم اعلام عمومی جزئیات بیش‌تر درباره این بنیاد حتی از سوی پایگاه اینترنتی «صدای مدافعان» که از سوی طیف منتسب به نیروهای نظامی برون‌مرزی حکومت اداره می‌شود و اخبار نیروهای نظامی ایران در منطقه را منتشر می‌کند، مورد انتقاد قرار گرفت.

زینب سلیمانی پس از کشته شدن پدرش بارها در رسانه‌ها و محافل حکومت ایران حاضر شده و سخنرانی کرده است. جمهوری ایران از زمان کشته شدن سلیمانی، بودجه و اعتبارات با مبالغ فراوانی را خرج فعالیت‌های مربوط به تبلیغ و حمایت از او کرده است.

بلافاصله پس از عملیات کشتن سلیمانی در عراق بود که مجلس شورای اسلامی در یک طرح سه فوریتی اصلاح قانون با اختصاص ۲۰۰ میلیون یورو بودجه به نیروی قدس سپاه پاسداران را تصویب کرد.

تشکیل بنیادهای استانی، نامگذاری خیابان‌ها، چاپ کتاب و بروشور، ساخت سردیس و تندیس، برگزاری برنامه‌های فرهنگی و راهاندازی جشنواره‌های هنری از جمله اقدامات حکومت ایران تحت نام قاسم سلیمانی بوده است.

این موضوع حتی از سوی حامیان حکومت نیز با نگرانی درباره رانت و فساد مواجه شده است.

وب‌سایت «صدای مدافعان» در یادداشتی که درباره تشکیل و بودجه «بنیاد قاسم سلیمانی» منتشر کرده بود، نوشت: «وابستگی به کمک‌های دولتی می‌تواند باز هم به همان رانت‌خواری‌ها و فسادها و سوء مدیریت‌هایی بیانجامد که بنیاد شهید و امور ایثارگران در حال حاضر با آن درگیر است».

این اعتبارات در حالی اختصاص می‌یابد که دولت جمهوری اسلامی ایران در دو سال گذشته و پس از اعمال تحریم‌های بین‌المللی در توزیع منابع برای پروژه‌های اجرائی و همچنین طرح‌های عمرانی از جمله در مناطق محروم با کمبود بودجه مواجه شده است.

در ماه‌های گذشته با ادامه بحران کرونا و وخامت اوضاع معیشتی مردم، گزارش‌ها حاکی از افزایش خط فقر به «۱۳ میلیون تومان» و بالارفتن هزینه خانوار بوده است. با این حال رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت روحانی در پاسخ به درخواست نمایندگان برای اختصاص کمک‌های معیشتی در نامه‌ای به رئیس مجلس گفت: «مردم به دنبال اعانه و یارانه نیستند».

اکنون مشخص نیست علاوه بر اعتباری که برای بنیاد قاسم سلیمانی و دختر او در نظر گرفته شده، چه اعتبارات مستقیم و غیرمستقیم دیگری برای تبلیغ او اختصاص خواهد یافت.

«جغرافیای مقاومت»

نفوذ ایران در کشورهای منطقه که علی‌خامنه‌ای از آن به‌عنوان «جغرافیای مقاومت» یاد می‌کند در دو دهه گذشته مهم‌ترین عامل اختلاف میان ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه و قدرت‌های جهانی بوده است. این نفوذ که از طریق ایجاد گروه‌های موازی قدرت در این کشورها ایجاد شده برای جمهوری اسلامی این امکان را فراهم کرده است تا تهدید نظامی علیه خود را با تهدید به ناامن‌سازی همه مناطق خاورمیانه پاسخ دهد.

اما جمهوری اسلامی تنها به خاورمیانه محدود نکرده و در چند سال گذشته به شکل منسجم به دنبال توسعه این نفوذ به مناطقی جدید است. ابتدای مهرماه ۱۳۹۸، سه ماه پیش از ترور قاسم سلیمانی، علی‌خامنه‌ای در دیدار با مجمع عالی فرماندهان سپاه پاسداران ضمن تمجید از گسترش فعالیت‌های فرامرزی سپاه در منطقه خاورمیانه از آن‌ها خواست که تنها به خاورمیانه قناعت نکنند و نفوذ سپاه را به دیگر مناطق جهان نیز گسترش دهند: «نگاه وسیع جغرافیای مقاومت را از دست ندهید؛ این نگاه فرامرزی را از دست ندهید. قناعت نکنیم به منطقه‌ی خودمان... این نگاه وسیع فرامرزی،

این امتداد عمق راهبردی گاهی اوقات از واجب‌ترین واجبات کشور هم لازم‌تر است... این نگاه به این منطقه وسیع جغرافیائی که جزو وظایف و جزو مسؤولیت‌های سپاه است، نگذارید در داخل سپاه تضعیف بشود.»

چند روز بعد سردار سلامی، فرمانده سپاه پاسداران در جمع گروهی از پایوران سپاه از عملیاتی کردن این ایده رهبر جمهوری اسلامی سخن گفت: «سپاه جغرافیای مقاومت را گسترش خواهد داد و زمانی که دشمن مشاهده می‌کند که جغرافیای مقاومت و تفکر گفتمان انقلاب اسلامی گسترش یافته باید صحنه را ترک کند و چاره‌ای جز این کار نخواهد داشت.»

امریکای جنوبی و اروپا دو منطقه‌ای بوده‌اند که تلاش جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد منطقه نفوذ در آن‌ها تا کنون ناکام مانده است. جمهوری اسلامی ایران در ابتدای دهه ۷۰ کوشید تا با استفاده از درگیری‌های نظامی میان بوسنی و صربستان به منطقه بالکان نفوذ کند. بافت سنی این منطقه و تمرکز تلاش‌های امنیتی اتحادیه اروپا و امریکا سبب شد تا ایران نتواند به اهداف خود در این منطقه دست یابد.

در دهه ۷۰ و ۸۰، امریکای جنوبی نیز مورد توجه مقامات ایرانی قرار گرفت. احساسات ضد استعماری میان مردم این منطقه و همچنین وجود دولت‌های به اصطلاح «چپ»، دو نکته بود که حضور در حیاط خلوت امریکا را برای مقامات ایرانی دست‌یافتنی می‌کرد. دوری جغرافیائی و تفاوت‌های فرهنگی و عقیدتی در کنار فشار دولت امریکا به کشورهای این منطقه سبب شد تا ایران با وجود هزینه‌های بسیار در این منطقه هم ناکام بماند.

به موازات تلاش برای یافتن جای پائی مستحکم در اروپا و امریکای جنوبی، جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های گسترده‌تری برای نفوذ در قاره آفریقا انجام داده است.

در دو دهه گذشته سپاه کوشیده است تا با استفاده از شکاف‌های عمیق ناشی از بحران‌های سیاسی و مشکلات اقتصادی در کشورهای آفریقائی با استفاده از ظرفیت نیروهای اپوزیسیون و شورشیان، ساختار سیاسی این کشورها را به نفع جمهوری اسلامی تغییر دهد. واحد ۴۰۰ سپاه قدس که مأمور اجرای این سیاست‌ها در آفریقا بوده است، غالباً به شکل هدفمند و با سرمایه‌گذاری بر ظرفیت‌های ناشی از اختلافات قومی، مذهبی و ناکارآمدی اقتصادی در شرق و غرب آفریقا فعالیت داشته است.

واحد ۴۰۰ یا «ستاد عملیات ویژه» یکی از بخش‌های سپاه قدس است که تحت فرماندهی سردار حامد عبداللّهی، برنامه‌های این نیرو را در آفریقا پیگیری می‌کند. به نظر می‌رسد در راهبرد جدید ایران این منطقه از پتانسیل بالاتری برای گسترش نفوذ جمهوری اسلامی برخوردار باشد.

نام کنیا با نام «واحد ۴۰۰ سپاه قدس» عجین شده است. در سال ۲۰۱۲ پلیس کنیا با همکاری اطلاعاتی دیگر کشورها، دو ایرانی را به اتهام برنامه‌ریزی برای طراحی عملیات تروریستی علیه انگلیس، عربستان، امریکا و اسرائیل دستگیر کرد. در جریان رسیدگی به اتهام این دو نفر گفته شد که آن‌ها از اعضای واحد ۴۰۰ سپاه قدس هستند و به دنبال ایجاد پایگاه برای این نیرو در کشور کنیا بوده‌اند. این دو نفر گرچه به ۱۵ سال زندان محکوم شدند ولی بعدتر در توافقی میان ایران و کنیا از زندان آزاد شدند و به ایران بازگشتند.

عمده فعالیت ایران در کنیا در شهر ساحلی «مومباسا» متمرکز بوده است. این شهر با جمعیت غالب مسلمان مهم‌ترین شهر توریستی کنیا است. سرمایه‌گذاری اسرائیل در مجتمع‌های توریستی کنیا سبب شده است تا این کشور به هدفی مهم برای نیروهای سپاه قدس تبدیل شود. ممانعت دولت کنیا از ایجاد مراکز اسلامی شیعی در مومباسا تاکنون مانع از سازماندهی نیروهای محلی نزدیک به جمهوری اسلامی در این کشور شده است.

همکاری اطلاعاتی اسرائیل و سرویس‌های اطلاعاتی غربی با دولت کنیا نیز مانع دیگر بر سر راه فعالیت سپاه قدس بوده است. به جز دستگیری دو ایرانی در سال ۲۰۱۱، در سال ۲۰۱۵ نیز دو پلیس کنیائی و یک هسته جاسوسی و در دسامبر ۲۰۱۶ دو وکیل ایرانی به اتهام ارتباط با سپاه قدس و تلاش برای شناسائی اهداف اسرائیلی برای خرابکاری دستگیر شدند.

کنیا به عنوان همپیمان امریکا برای مقابله با گروه الشباب هم شناخته می‌شود. همین موضوع سبب شده است تا سپاه پیوندهای مشترکی با این گروه وابسته به القاعده پیدا کند. هدف مشترک هردو بیرون راندن اسرائیل و امریکا از کنیا است. الشباب با هدف توسعه فعالیت‌هایش در سومالی و جمهوری اسلامی با هدف کشاندن کنیا به دایره «جغرافیای مقاومت».

ایجاد حوزه نفوذ در اریتره در شرق آفریقا اهمیتی استراتژیک برای جمهوری اسلامی دارد. اریتره در شرق آفریقا و در کنار دریای سرخ قرار دارد. بندر عصب به اندازه همسایه جنوبی اریتره یعنی جیبوتی برای نیروهای سپاه مهم بوده است. در سال‌های گذشته، حضور کشتی‌های نیروی دریائی ایران و دست‌کم یک زیردریائی سپاه در این بندر سبب اعتراض امارات و عربستان شده است.

حضور ایران در سودان به سال ۱۳۷۰ و زمانی باز می‌گردد که دولت این کشور با چالش بزرگ مقابله با استقلال‌طلبان در جنوب مواجه بود. هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران در سفر به این کشور علاوه بر قول مساعدت‌های مالی، بسته‌ای از کمک‌های تسلیحاتی را به ارتش این کشور ارائه کرد تا آن‌ها بتوانند استقلال‌طلبان را سرکوب کنند. مابه‌ازای کمک ایران به سودان، صدور مجوز فعالیت سپاه در این کشور بود.

عمرالبشیر که روابط گرمی با ایران و علی خامنه‌ای داشت تا پیش از جنگ یمن به فشارهای بین‌المللی علیه کشورش تن نداد. پس از جنگ یمن، سودان در چرخشی آشکار به جبهه امارات و عربستان وارد شد و به متحد قدیمی خود پشت کرد.

فعالیت نیروهای اسلام‌گرای سودانی و نیروهای سپاه قدس در این کشور پس از این تغییر مواضع، به شدت محدود شد. سقوط حکومت عمرالبشیر در جریان اعتراضات مردمی و ناروشن بودن وضعیت این کشور سبب شده تا سپاه مجدداً فعالیت خود در سودان را گسترش دهد.

سنگال در غرب آفریقا، نقطه مهم دیگری است که مورد توجه جمهوری اسلامی بوده است. سنگال در سال‌های گذشته روابطی صمیمانه با جمهوری اسلامی داشته و به نوعی هاب دیپلماتیک ایران در آفریقا است. عمده فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و دیپلماتیک ایران در قاره آفریقا از طریق داکار انجام می‌شود.

نیجریه در غرب آفریقا دارای بیش‌ترین جمعیت شیعه در این قاره و نقطه تمرکز فعالیت‌های مذهبی جمهوری اسلامی است. ایران از سال ۱۳۸۵ و در قالب یک برنامه اقتصادی به شکل گسترده به نیجریه وارد شد. ایجاد و گسترش سریع مرکز فرهنگی و خدماتی شیعی در این کشور سبب شد تا ایران بتواند نیروهای متنوع و متعددی از میان شیعیان نیجریه را به سمت خود جذب کند. قبل از این حضور گسترده، ایران با حمایت از چهره‌هایی مانند ابراهیم زکزاکی و حافظ محمد سعید، پایگاه‌هایی برای ترویج گسترده‌تر مذهب شیعه در «آبوجا» پایتخت این کشور ایجاد کرده بود.

جمهوری اسلامی تا کنون صدها میلیون دلار در قاره آفریقا سرمایه‌گذاری کرده است. این سرمایه‌گذاری نه برای ساخت مجتمع‌های صنعتی و اقتصادی بلکه بیش‌تر بر گروه‌های مذهبی، قومی و سیاستمداران عمدتاً فاسد انجام شده است.

علاقتمندی ایران به آفریقا و البته مراکش پس از کشته شدن قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس در عراق در ژانویه ۲۰۲۰، افزایش یافت و مقام‌های سیاسی آفریقا نگرانند که تهران در نهایت بتواند با هدف قرار دادن منافع امریکا یا متحدانش در آفریقا تلافی‌جویی کند.

گوشه‌ای از ضرر و زیان مردم ایران از فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه

مقادیر عظیمی از پول ایران صرف فعالیت‌های سپاه با هدف مداخله در امور کشورهایی همچون عراق، لبنان، یمن و سوریه انجام می‌شوند که برای مردم ایران هیچ سودی نداشته است. به علاوه، این فعالیت‌ها و هزینه‌های مرتبط با آن هیچ‌گاه حسابرسی نمی‌شوند.

هم اکنون دولت جمهوری اسلامی ایران با کمبود شدید منابع مالی روبه‌رو شده و در مانده و مستاصل است. دولت برای جبران کسری بودجه کشور چاپ اسکناس را افزایش داده، امری که راه را برای افزایش نرخ تورم هموار کرده است. بین سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹، داده‌های مربوط به اسکناس‌های رسمی ناپدید شد. با وجودی که در حال حاضر هیچ رقم دقیق و رسمی از اسکناس‌های موجود در سطح کشور در دسترس نیست، براساس ارزیابی‌های تخمینی کارشناسان این رقم حدود ۷۵ تریلیون تومان است.

سپاه از بعد از پایان جنگ ایران و عراق به تدریج منابع بازرگانی و اقتصادی ایران را قبضه کرده است. این گروه کنترل بندرهای ایران را در اختیار دارد و اجرای تعدادی از سودآورترین قراردادهای دولتی در داخل و خارج از کشور را به عهده گرفته است.

نفوذ سپاه در اقتصاد کشور از بخش تاسیسات نفت و گاز در میدان نفتی پارس جنوبی به تاسیس بندرهای آزاد در جزایر خلیج فارس تا بخش مخابرات گسترش پیدا کرده است که تاسیس شرکت مخابراتی «ایران سل» را نیز در بر می‌گیرد. کارشناسان معتقدند به جای این که درآمد سپاه از این فعالیت‌های اقتصادی صرف اجرای تعهدات مالی این گروه در داخل کشور شود، به سرمایه‌گذاری‌های خارجی این گروه در خارج از کشور کمک می‌کند.

سپاه از این پول‌ها برای جذب اعضای جدید برای گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به خود، از جمله «لشکر فاطمیون» استفاده می‌کند. این لشکر در سوریه فعال است و بیش‌تر اعضای آن افغان تبارهای شیعه مقیم ایران هستند و فرماندهان این لشکر اعضای سپاه قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند.

بنا به گزارش‌ها، سپاه به افغان تبارها هم پیشنهاد می‌کند اگر به این گروه بپیوندند، در صورتی که در جنگ کشته شوند، اعضای خانواده‌های آن‌ها شناسنامه ایرانی خواهند گرفت، چون «شهید» محسوب می‌شوند.

جسی شاهین، سخنگوی فرستاده ویژه سازمان ملل متحد در امور سوریه در سال ۱۳۹۴ افشا کرد که ایران هر سال ۶ میلیارد دلار در سوریه هزینه می‌کند. این رقم به ۹۰ تریلیون تومان بالغ می‌شود که بیش از حجم کل سکه و اسکناسی است که در ایران وجود دارد.

این مبلغ از هزینه‌هایی که سپاه قدس به حزب‌الله لبنان و حماس فلسطین می‌پردازد مجزا است. رقمی که بنا به ارزیابی‌ها سالانه به حدود ۲ میلیارد دلار بالغ می‌گردد.

با این وجود ارزیابی واقع‌بینانه این است که ایران در جنگ‌های نیابتی خود شکست خورده و به هیچ یک از اهداف خود دست نیافته است.

به گفته کارشناسان اقتصادی اگر ۶۰ میلیارد دلاری را که جمهوری اسلامی ایران طی ۱۰ سال گذشته در سوریه بر باد است صرف سرمایه‌گذاری داخلی کرده بود، می‌توانست حداقل صدها هزار شغل ایجاد کند.

سفیر حکومت اسرائیل در سازمان ملل متحد، بهمن ماه سال ۱۳۹۶ مدعی شده بود که ایران ۸۲ هزار نیروی جنگجو و نظامی در سوریه را تحت کنترل و هدایت خود دارد. او گفته بود که این اطلاعات تا پیش از این تنها در اختیار نهادهای اطلاعاتی اسرائیل بوده، ولی این حکومت اکنون تصمیم به آن گرفته که آن‌ها را در اختیار همه جهان قرار دهد. به گزارش «تابناک» جمهوری اسلامی؛ «دنی دانون» سفیر اسرائیل در سازمان ملل متحد، با بیان این ادعا که حدود ۸۲ هزار جنگجوی نظامی در سوریه از سوی ایران هدایت و کنترل می‌شوند، بیان کرده است: از این تعداد ۶۰ هزار نیروی سوری، ۱۰ هزار نیروی نظامی از افغانستان، عراق و پاکستان، ۹ هزار نیرو از حزب‌الله لبنان و ۳ هزار نیرو، از نیروهای سپاه پاسداران هستند.

مؤخره

با توجه به آنچه درباره قاسم سلیمانی گفته شد در جمع‌بندی می‌توانیم به این نتیجه برسیم که او یک تروریست بی‌رحم بود و از سرکوب و جنگ و کشتار و ویرانی لذت می‌برد.

سلیمانی در داخل ایران مأمور سرکوب اعتراضات مردمی بود و مأمور راه انداختن جنگ‌های نیابی و آموش گروه‌های تروریستی مذهبی به ویژه شیعی. در واقع، سلیمانی مدافع بشار اسد و قاتل جان هزاران زن و مرد و کودک سوری و لبنانی و یمنی است و کسی که با دمیدن بر آتش جنگ‌های فرقه‌ای بین شیعه و سنی در منطقه امنیت ایران و برخی کشورهای منطقه را به خطر انداخته است.

او میلیاردها دلار از ثروت‌های مردم ایران را در سوریه و عراق و یمن و غزه خرج کرد. محمود الزهاری، عضو ارشد گروه «حماس» در گفت‌وگو با شبکه العالم فاش کرد که او در سال ۲۰۰۶ در راس یک هیات به ایران آمد و با وزیر امور خارجه و چندین مسئول ایرانی دیدار داشت که در آخرین دیدار که با قاسم سلیمانی بود از او ۲۲ میلیون دلار دریافت کرد.

اکنون نیز اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، می‌گوید جمهوری اسلامی ایران ۷۰ میلیون دلار به این جنبش فلسطینی پول داد تا «قوای بازدارندگی» خود را در برابر اسرائیل بسازد و راکت‌هایی که نیروهای حماس در باریکه غزه تولید کردند، بخشی از این «توان راهبردی» است.

او روز یکشنبه ۱۲ دی ۱۴۰۰، در گفت‌وگو با شبکه عربی الجزیره، از حفر تونل‌های تهاجمی برای غافلگیر کردن اسرائیل و ساخت دیگر تسلیحات نظامی به‌عنوان برنامه‌های این گروه نام برده و گفته است کمک مالی ایران به این گروه شبه‌نظامی، به تغییر آرایش نظامی در غزه منجر شده است.

اسماعیل هنیه در گفت‌وگوی یکشنبه شب با الجزیره همچنین گفت در کنار ایران، «ملت‌های عرب» در تامین «توان بازدارندگی استراتژیک» حماس سهیم بوده‌اند.

در سال‌های اخیر گزارش‌های متعددی درباره کمک‌های مالی منظم حکومت ایران به حماس منتشر شده است. دی‌ماه سال گذشته محمود الزهاری، مقام ارشد گروه حماس با تقدیر از قاسم سلیمانی، گفت اعضای این گروه در سفر به تهران با دستور سلیمانی ۲۲ میلیون پول نقد دریافت کردند و «قرار بود مبلغ بیش‌تری پرداخت شود اما (هیات حماس) ۹ نفره بود و نمی‌توانستیم بیش از این حمل کنیم، زیرا هر چمدان ۴۰ کیلوگرم گنجایش داشت.»

سلیمانی اوایل دی ۹۶ در تماس تلفنی و ارسال پیام برای سران داخل و خارج‌نشین حماس، تاکید کرده بود که «همه امکانات در اختیار حماس است.»

ابراهیم رئیسی رئیس جمهور اسلامی و عضو هیات مرگ در قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، در سخنرانی امروزش در دومین سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی در عراق، تهدید کرد که اگر دونالد ترامپ رئیس جمهور سابق و مایک پومپئو، وزیر خارجه وقت امریکا در «یک دادگاه عادلانه» محاکمه و مجازات شوند «قبها و گرنه به تمام دولتمردان امریکائی می‌گویم که شک نکنید دست انتقام از آستین امت بیرون خواهد آمد».

شایان ذکر است که پس از کشته شدن قاسم سلیمانی، همه مقام‌ها و نهادهای جمهوری اسلامی از «انتقام سخت» سخن گفتند؛ از خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی گرفته تا روسای سه قوه و مقام‌های کشوری و لشکری.

تنها مورد اعلام شده از «انتقام سخت» ساعت یک بامداد روز چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۸ به وقت تهران اتفاق افتاد و پایگاه نظامی عین‌الاسد امریکا در استان انبار عراق هدف حملات موشکی ایران قرار گرفت. وزارت دفاع امریکا در آن زمان تأیید کرد دو پایگاه نظامی‌اش در عراق هدف موشک قرار گرفته‌اند.

ایران زمان حمله‌ها را با واسطه به امریکا اطلاع داده بود و کسی آسیبی ندید. اما بعد گزارش شد بعضی نظامیان حاضر در پایگاه‌ها دچار آسیب روحی و روانی شده‌اند.

این حمله موشکی، اما، زمینه‌ساز فاجعه‌ای شد که تقریباً پنج ساعت بعد رخ داد: دو موشک سپاه پاسداران یک هواپیمای مسافری اوکراینی را ۲۴ ثانیه پس از برخاستن از فرودگاه تهران ساقط کردند و ۱۷۶ سرنشین آن کشته شدند.

جمهوری ایران علت سقوط را مصرانه نقص فنی اعلام می‌کرد تا این‌که شواهد فراوان و همچنین ویدئوهای اصابت موشک‌ها به هواپیما، آن‌ها را وادار ساخت در یک «شرمساری بین‌المللی» به علت واقعی ادعان کنند.

حتی در ایران دادگاهی نمایشی برای چند نفر که متهم شدند اشتباه‌شان باعث شلیک و اصابت موشک‌ها برگزار شده که علنی نبود و به گفته وکلا، حقوق خانواده‌ها در آن رعایت نشده است.

انجمن خانواده قربانیان هواپیمای اوکراینی معتقد است «مسئول» سرنگون کردن پرواز ۷۵۲، «مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی» هستند و «به چند عضو رده‌پائین سپاه پاسداران محدود نیست».

در حالی که وضع اقتصادی ایران در سال‌های اخیر به‌ویژه در یک سال اخیر در نتیجه همه‌گیری ویروس کرونا و نیز تحریم‌های فلج‌کننده امریکائی به‌شدت وخیم شده، حمایت‌های مالی جمهوری اسلامی ایران به گروه‌های تروریستی طرفدار خود در منطقه ادامه دارد.

حکومت اسلامی ایران در کلیت خود، حکومتی وحشی و تروریست و غارتگر و شرم بشریت است که جایگاه واقعی‌اش گورستان تاریخ است!

دوشنبه سیزدهم دی [جدی] ۱۴۰۰ – سوم جنوری ۲۰۲۲